

دروود بر مهر داد پهلبد

نهم آبانماه امسال در کتابخانه ملی روزگشایش نمایشگاه کتابهای ایران شناسی و کتابهای وابسته به جشن دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی کورش بزرگ بود که تا آن روز چاپ و پخش شده. من هم يك شماره از سروده‌های باباطاهر را که تازه از چاپ در آمده بود با خود برداشتم و بردم. چون به باره (حیاط) کتابخانه رسیدم. چشمم به گروه زیادی افتاد که سرپا ایستاده بودند. آقای مهر داد پهلبد وزیر فرهنگ هم آنجا بودند و با برخی از نویسندگان گفت و گو میکردند. کتاب را دادم به آقای جمشید بهروش دبیر کل هیأت امناء و رئیس اداره کل کتابخانه‌های فرهنگ و هنر. ایشان هم دستور دادند در میان کتابهای دیگر گذاشتند. سپس رفتم در گوشه‌ای ایستم. برنامه این بود که آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی بیایند نمایشگاه را بکشایند. دانسته شد که بیمار هستند و نمی‌آیند. در این هنگام دیدم آقای پهلبد نگاهی به مردم کرد. ناگهان بسوئی روانه شد و در برابر پیرمردی ایستاد و با مهرورزی و گشاده روئی دستش را گرفت و با خود برد. در جلو تالار نمایشگاه ایستاد. روی به مردم کرد و گفت: چند سال است من با این آثار آشنا هستم. مردی است میهن پرست و پرکار. در همه انجمنهای سخنرانی و جشنها ایشان را می‌بینم. من امروز میخواهم این نمایشگاه بدست این مرد میهن پرست گشایش یابد.

پیرمرد با سپاسگزاری، دوکارده (قیچی) را بدست گرفت و بنام نامی شاهنشاه آریامهر نوار را برید و نمایشگاه گشایش یافت. مردم دسته‌دسته به درون تالار رفتند و از کتابها دیدن کردند.

دیدار از نمایشگاه کتاب پایان یافت، اما گفتم و گوهای ستایش آمیز از اندیشه بلند پهلبد آغاز گردید . زیرا همه از این شیوهٔ پسندیده ایشان بنام اینکهرهروان راه فرهنگ و دانش و میهن پرستی را ارزشمند میدانند و ارزش این دسته از مردم را در جلو چشم دارند ، بسیار خوششان آمد و از او بنیکی یاد کردند و اندیشه اش را ستودند .

از او بنیکی یاد کردن و ستودن این بود که میگفتند چنین برمی آید آنچه که از دیدگاه ایشان ارزش دارد ، همانا راه و روش ایران دوستی و میهن پرستی و کوشا بودن در راه نمایاندن فرهنگ و دانش این کشور است . یعنی خوب دریافته اند که برتری و ارزش در پیشگاه خدا و دانش ، به راستی و درستی و بی آرایش بودن و در راه سود بخشی گام برداشتن بستگی دارد خوب پی بردماند باینکه از اینگونه کسان باید بامهرورزی پشتیبانی کرد و آنان را امیدوار ساخت .

پس از آنکه مردم پراکنده شدند و دنبال کار خود رفتند ، به هر جا که میرفتم میدیدم گفت و گو از پهلبد است . چند روز پس از آن با ادارهٔ کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر رفتم . از آقای میرمیران معاون ادارهٔ نگارش دیدن کردم که بر راستی مردی است دانشمند و میهن پرست و نیک اندیش و راسته و آماده برای کار گشائی و راهنمائی و سود بخشی بودن برای مردم . دیدم لب بسخن گشودند و گفتند . بر راستی مهرورزی آقای پهلبد در روز گشایش نمایشگاه کتاب به آن پیر مرد نویسنده مایهٔ خورسندی همه ما شد . زیرا این مهرورزی تنها برای آن کس نبود . بلکه بنام فرهنگ دوستی و میهن پرستی بود یعنی همهٔ این دسته از فرزندان ایران را در بر میگيرد .

چند روز پس از آن به کتابخانهٔ ابن سینا و برخی کتابفروشی های دیگر رفتم . دیدم در آنجاها هم همین گفت و گوهای ستایش آمیز بود .

روزی از روزها به دیدن یکی از دوستان بنام دکتر الهی رفتم . از مردم استان هازندان یا تبرستان است . مردی است بلندمنش و آزاده و نیک اندیش و ایران دوست .

دیدم از پهلبد سخن میرانند. میگویند من با ایشان آشنائی نزدیک ندارم، ولی از آن هنگام که شنیدم در باره یک پیرمردی چنین رفتار کرده، از آن روز ایشان را دوست دارم و باور دارم به اینکه آدم بلندمنش و ژرف بین و ایران دوست است.

همین چند روز پیش بود که در کتابخانه ملی نزد آقای بهروش رفتم. سرگفت و گوباز شد. از آدم و آدم نما سخن به میان آوردند. گفتند آنجوری که نوشته اند، آدم کسی است که آئینه خدانا باشد و از راه اندیشه و گفتار و کردار به بندگان خدا سود برساند و سرچشمه سودبخشی باشد اما آدم نما کسانی هستند که در پیکره آدمی ازدیو و دهم بدرتر میباشند. در این میان نام پهلبد را به زبان آورد. گفت برآستی ایشان نمونه خوبی از همان آدمهائی هستند که خدا دوست دارد. ایشان مردی هستند ایران دوست و مہین پرست و نیک اندیش و فروتن و خوش برخورد. رفتارشان در روزگرایش نمایشگاه کتابهای ایران شناسی با آن پیرمرد نویسنده، نشانه‌ای بود از برترمنشی ایشان. کار بسیار بجائی کردند و نشان دادند. که گشودن نمایشگاه کتاب یا دیگر سازمانهای نیکوکاری، همیشه نباید بدست وزیر یا نخست وزیر انجام گیرد. برای نگاهداری ارزش نویسنده‌گان یا دیگر کسانی که در راه پیشرفت مہین و فرهنگ سودبخش میباشند، اینگونه کارها را میتوان بدست آنان نیز انجام داد تا مایه دلخوشی و امیدواری آنها گردد و بدانند که ارزش کوشش و جنب و جوششان در نزد بزرگان بلندمنش نمایان است.

از روش پسندیده پهلبد بزرگوار میتوان دوگونه بهره‌گیری کرد. یکی اینکه کسانی از روی اندیشه نیک و راستی و درستی در راه گسترش فرهنگ و دانش گام بر میدارند و یا از راه‌های دیگری میخواهند برای مہین و مردم سودبخش باشند، خواهی و نخواهی دیر یا زود ارزش کارشان نمایان میشود و در نزدیکی پهاکدلان

گرامی خواهند بود. همچنانکه فردوسی توسی این بهره‌گیری را کرد و نام نامیش در جهان بلند آوازه شد.

بهره‌گیری دوم هشدار است برای آن دسته از کسانی که پایه‌های پیشرفت را می‌بیمایند و به جاهائی میرسند و نیروی کار را به دست میگیرند و نام و آوازه پیدا میکنند.

بر آنان است که ارزش کار پژوهندگان و نویسندگان را بدانند و بفرمان دین و دانش از این گروه پشتیبانی کنند. زیرا رنج و کوشش شبانه روزی آنان است که به پیکره کتابها و کتابخانه‌ها در آمده و سازمانهای بزرگ فرهنگ و هنر را پدید آورده است. مگر نه این است که خدای دانا در قرآن به دوات و خامه و نامه و نبشته سوگند یاد میکنند و میگویند نوالقلم و مایسطرون. یعنی سوگند به دوات و خامه و آنچه که می‌نویسند.

خوب میدانیم که دوات و خامه سرمایه کار نویسندگان و همان ابزار کوشش و جوشش آنان است که خدا آنها را پر ارزش میداند و به آنها سوگند یاد میکند. با آنچه گفته شد، بزرگانی که خود را مبین پرست و فرهنگ دوست میدانند، سزاوار این است که این گروه را فراموش نکنند و ارزش آنان را بدانند. همچنانکه مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر این نکته را در جلو چشم دارند و به آن ارزش میدهند و برای همین است که در پیش همگان گرامی میباشند - درود بر چنین کسانی باد.

مملکت بحرین واقع در طول ساحل غربی خلیج فارس که امروز به احساء (الاحساء) معروف است قبل از ظهور اسلام مسکن قبایل بنوعبد قیس و بنوبکر و جزء قلمرو ایران بود و مخصوصاً در آن اوان و بعد از آن یکنفر حاکم ایرانی بنام سبخت در هجر پایتخت آن مستقر بود.
(از پرویز تاجنکیز)